

پژوهش‌های متعدد قبلی نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق در جامعه ایران دخالت خانواده‌های همسران بوده است. پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش کیفیت ارتباط همسران با خانواده‌های اصلی در پیش‌بینی رضایت زناشویی آنها انجام گردید. ۱۰۹ زن و ۶۳ مرد متأهل به‌شيوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از انریچ چهار مقیاسی و پرسشنامه رابطه با خانواده‌های اصلی. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به‌گام تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیر خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده، به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی ۴۰٪ واریانس رضایت زناشویی، ۳۵٪ واریانس ارتباط زوجین، ۲۸٪ واریانس حل تعارض و ۳۲٪ واریانس تحریف آرمانی بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد پیوستگی بین زوجین و خانواده‌های اصلی نقش مهمی در رضایت‌مندی زناشویی در جامعه ایران ایفا می‌کند. مؤلفان بر لزوم طراحی مداخلات خاص پیشگیرانه و درمانی برای ارتقای رابطه بین همسران و خانواده‌های اصلی تأکید می‌ورزند.

■ واژگان کلیدی:

رضایت زناشویی، خانواده اصلی، خانواده همسر، خانواده ایرانی

## پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی

### محمدعلی مظاهری

استاد گروه روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی  
m-mazaheri@sbu.ac.ir

### لیلی پناغی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی  
lpanaghi@yahoo.com

### خدیجه سلمانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی  
khadije.salman@gmail.com

### مونا چراغی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج  
Mona.cheraghi@yahoo.com

### فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی  
F\_Mootabi@sbu.ac.ir

### منصوره‌السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی  
m\_sadeghi@sbu.ac.ir

## مقدمه

بیان مسئله: شکست در زندگی زناشویی آسیب‌های عمیق و گسترده‌ای به افراد و خانواده‌ها وارد می‌آورد. به همین دلیل در دهه‌های اخیر متخصصان حوزه خانواده به مطالعه ساز و کارهای مؤثر در ایجاد یک ازدواج موفق علاقمند گردیدند. (کسلو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۳۶۳) انگیزه اصلی از انجام این تحقیقات، یافتن عوامل مرتبط با دوام زندگی مشترک بوده است. براساس مطالعات مذکور، رضایت زناشویی<sup>۲</sup> متغیری بسیار مهم در پیش‌بینی دوام زندگی زناشویی زوجین به‌شمار می‌رود. (اولسون<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۰۴) زیرا نمایانگر رضایت همسران از کارکرد رابطه زناشویی‌شان می‌باشد. رضایت زناشویی یک احساس ذهنی شادی، رضایت و لذت است که هنگام در نظر گرفتن همه جنبه‌های جاری زندگی زناشویی و سود و زیان‌های آن توسط فرد متأهل تجربه می‌شود. (باومایستر و وهس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۵۴۱) رضایت زناشویی سازه‌ای چندبعدی و متشکل از ابعاد مختلف است و از طریق ارزیابی تعاملات جاری بین زوج مانند علاقه متقابل، مراقبت از هم، پذیرش یکدیگر، تفاهم و هماهنگی زوج در انجام اموری چون گذراندن اوقات فراغت، تقسیم کار، روابط جنسی، ابراز احساسات و کیفیت ارتباط قابل سنجش است. (اسپرینجر<sup>۵</sup> و دیگران، ۲۰۰۸: ۵۳؛ اولسون و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۵۶، ۱۹۶، ۲۱۴ و ۳۲۵ و گریف<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰: ۹۴۹) به‌جزء عوامل اخیر که در جوامع مختلف با سازگاری و رضایت زناشویی مرتبط‌اند، در هر جامعه شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل بومی و خاص فرهنگ مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد. (هاتفیلد<sup>۷</sup> و دیگران، ۲۰۰۷: ۷۶۷) زیرا افراد در بافت‌های فرهنگی مختلف اولویت‌ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارا می‌باشند، که نحوه تحقق آنها می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. (پفایفر<sup>۸</sup> و دیگران، ۲۰۱۳: ۹۴) لذا نوع مشکلات زوجین، موضوعات مرتبط با سازگاری و رضایت زناشویی در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. به این معنی که ممکن است در فرهنگی رفتارهای خاصی با ناکارآمدی عملکرد زوجین مرتبط باشند، در حالی که در فرهنگی دیگر

1. Kaslow
2. Marital Satisfaction
3. Olson
4. Baumeister & Vohs
5. Sprecher
6. Greef
7. Hatfield
8. Pfeifer

همان رفتارها در عملکرد زوجین مشکلی ایجاد نکنند. (تومیتو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: ۴۹ و هالفورد<sup>۲</sup> و دیگران، ۱۹۹۰: ۱۲۵)

تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه عوامل مرتبط با رضایت زناشویی زوجین ایرانی انجام شده‌اند. نتایج حاکی از آن بوده که عواملی چون متغیرهای جمعیت‌شناختی (شاکریان، ۱۳۸۸: ۴۰)، ویژگی‌های شخصیتی (عباسی و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۳۷) سبک‌های دلبستگی، تمایز یافتگی (بیرامی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴)، عزت نفس (پوردهقان و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۰۱)، سبک‌های مقابله‌ای زوجین (بشارت و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۲)، مراحل تحول چرخه زندگی خانواده (عباسی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵) و هوش هیجانی (علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۹۱: ۱۶۱) با رضایت زناشویی زوجین مرتبط بوده‌اند. مصاحبه با زوجین ناراضی و متقاضی طلاق و جویا شدن علل نارضایتی آنها از زندگی مشترک نیز می‌تواند کمک زیادی به شناسایی عوامل دخیل در کیفیت رابطه زناشویی نماید. پژوهش‌های متعدد ایرانی که بر روی زوجین متقاضی طلاق انجام شده، نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده انحلال زندگی زناشویی، «کیفیت پایین رابطه با خانواده همسر» و «دخاله خانواده همسر» بوده است. (به‌عنوان نمونه آزادمهر و دیگران، ۱۳۷۹: ۵۳؛ رحمانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹؛ زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶: ۷۳۷؛ سامانی، ۱۳۸۶: ۶۶۲؛ سیفاللهی ننه‌کران، ۱۳۸۷: ۱۵؛ صادقی و دیگران، ۲۰۱۲: ۱؛ عباسعلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۲؛ قطبی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۸۰؛ محسن‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۷؛ مظاهری و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۱۴) اهمیت این عامل به قدری است که در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق در ایران، «دخاله خانواده‌ها» در زمره پنج عامل اول و مهم پیش‌بینی‌کننده طلاق معرفی شده است. به نظر می‌رسد که مسئله مشکل زوجین با خانواده‌های یکدیگر و تأثیر شدید این مسئله بر زندگی زناشویی آنها، یک مسئله متأثر از فرهنگ در ایران می‌باشد. زیرا مطالعاتی که روی عوامل مؤثر بر کیفیت و دوام زندگی مشترک در سایر جوامع خصوصاً جوامع غربی انجام شده است، نقش دخالت خانواده‌ها به این حد مهم گزارش نشده است. از طرفی صادقی و همکاران (۲۰۱۲: ۱) نیز در مطالعه‌ای که با هدف یافتن الگوهای تعاملی زوج‌های ایرانی انجام دادند، دریافتند که اگرچه زوجین ایرانی در الگوهای تعامل منفی (مثل انتقاد، عصبانیت،

1. Tomita  
2. Halford

رفتار تدافعی، دیوار سنگی) مشابه زوجین سایر بافت‌های فرهنگی عمل می‌کنند، اما برخی الگوهای رفتاری خاصی را دارا می‌باشند که مشابه آن در سایر بافت‌های فرهنگی گزارش نشده است. یکی از مهم‌ترین الگوهای تعامل منفی منحصر به فرد زوجین ایرانی، «انتقاد و توهین به خانواده همسر» است که شامل ناسزاگویی به خانواده همسر، شکایت از آنها، اختلاف نظر زوجین در مورد نحوه برخورد با خانواده‌های یکدیگر، مشاجره زوجین بر سر دخالت خانواده‌ها و متهم کردن خانواده‌های یکدیگر در ایجاد مشاجرات می‌باشد. نقش مهم خانواده‌های زوجین در پیش‌بینی روابط آنها را می‌توان از منظرهای مختلف مورد توجه قرار داد. جایگاه خانواده از دیرباز نزد ایرانیان مهم بوده است. این اهمیت تا حدی بوده که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های هویت افراد، خانواده‌ای که به آن تعلق داشته‌اند بوده و خانواده هر فرد معرف ویژگی‌های فردی او تلقی می‌شده است. (شعبانی، ۱۳۷۴: ۱۵۳) در سبک زندگی ایرانی، معمولاً فرزندان تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند، با خانواده زندگی می‌کنند و اغلب کوچ کردن از منزل پدری مصادف با ازدواج آنها می‌شود. بنابراین در خانواده‌های ایرانی، فرزندان تا پیش از ازدواج غالباً با خانواده خود زندگی می‌کنند، نزدیکی عاطفی شدیدی با آنها احساس می‌کنند، بسیار تحت تأثیر آنها قرار دارند و احساس وفاداری زیادی نسبت به آنها تجربه می‌کنند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۷) تحقیقات نشان داده‌اند که ایرانیان در دوره‌های مختلف تحولی خود به شدت تحت تأثیر خانواده خود قرار دارند. دامنه این تأثیرپذیری بسیار گسترده است و گستره‌ای بزرگ از شکل‌گیری ویژگی‌های فردی و شخصیتی (به‌عنوان نمونه: سپهری و مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۴۱؛ صادقی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۷؛ صادقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۳؛ صادقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۹ و سیدموسوی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۷۳) تا انتخاب همسر (به‌عنوان نمونه: جلالی، ۲۰۰۵: ۴۵۵ و مظاهری و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۵) و جهت‌گیری نسبت به روابط با جنس مخالف (خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹: ۴۴۹) را در بر می‌گیرد. بنابراین قابل درک است که خانواده‌های ایرانی جزئی لاینفک از زندگی فردی و زناشویی فرزندان خود محسوب می‌شوند. بدین ترتیب در ازدواج نیز همسران تنها زوج خود را بر نمی‌گزینند. بلکه با مجموعه‌ای جدایی‌ناپذیر ازدواج می‌کنند که شامل همسر و خانواده او خواهد شد. به همین دلیل باید به مهارت‌هایی تجهیز باشند که آنها را در ایجاد روابط مؤثر با تمام این اجزا یاری کند. همچنین در ایران ازدواج به‌منزله پیوند دو خانواده در نظر گرفته می‌شود نه پیوند بین زن و مرد. بنابراین نقش خانواده‌ها در انتخاب همسر برای فرزندان بسیار

مهم بوده است. (جلالی، ۲۰۰۵: ۴۵۵) از طرفی در ایران فرزندان و والدین وابستگی و ارتباط عاطفی شدیدی نشان می‌دهند که تا لحظه مرگ ادامه می‌یابد و گذشت زمان یا فاصله مکانی از شدت آن نمی‌کاهد. فرزندان پس از ازدواج، حتی اگر خودشان صاحب فرزند شده باشند، همچنان از نظر عاطفی وابستگی خود را با خانواده اصلی‌شان حفظ می‌کنند. بنابراین در ایران با وجود توسعه خانواده هسته‌ای، همچنان روابط بین افراد و خانواده‌ها متأثر از شبکه خویشاوندی است. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۷) براساس شواهد پژوهشی موجود به نظر می‌رسد وضعیت خانواده در بافت فرهنگی ایرانی حالتی بین گسترده و هسته‌ای است. زیرا با وجود آنکه در حال حاضر اغلب همسران پس از ازدواج، منزلی جدا از دو خانواده را برای سکونت انتخاب می‌کنند، اما پیوندی قوی با خانواده‌های اصلی خود حتی پس از ازدواج دارند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۷ و چراغی، ۱۳۹۳: ۲۵۳-۲۵۰) این پیوند شدید که تا پایان عمر ادامه دارد می‌تواند به دوام زندگی مشترک آنها کمک کند یا تهدیدی جدی برای آن محسوب شود. به این شکل که در صورت وجود ارتباط مطلوب بین خانواده با همسر فرزند، احتمال مورد حمایت قرار گرفتن زوج جوان در شرایط دشوار، من جمله کمک به حل تعارضات زناشویی (چراغی، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۴۴) فزونی می‌یابد. این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش سطح رضایت زناشویی زوجین گردد. (کیرنز و لئونارد، ۲۰۰۴: ۳۹۰) در حالی که عدم تأیید ازدواج از جانب خانواده‌های اصلی زوج و یا وجود رابطه نامطلوب بین طرفین، با مداخله‌گری یا انتقادجویی خانواده‌ها از رابطه زوج همراه می‌شود که می‌تواند به نوبه خود رابطه زناشویی را تحت الشعاع قرار دهد. (اسپریچر و دیگران، ۲۰۰۶: ۶۱) وابستگی شدید بین فرزندان و والدین حتی پس از ازدواج‌شان، می‌تواند سبب‌ساز ایجاد مشکلاتی در روابط زناشویی آنها گردد. به نظر می‌رسد که احساس تملک دائمی خانواده‌ها نسبت به فرزندان و درگیری عاطفی شدید بین آنها، می‌تواند به مرزهای زناشویی فرزندان تجاوز کرده و موجبات ناراحتی عروس یا داماد و تضعیف رابطه آنها را با خانواده همسر فراهم آورد. از طرفی در صورت ایجاد اختلاف بین خانواده و همسر فرزند، معمولاً واکنش فرزندان به خاطر تعلق خاطر و وفاداری شدید به خانواده، به شکل جانبداری از خانواده اصلی است. این امر نیز به تضعیف رابطه بین زوجین می‌انجامد. (چراغی، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۵۷) اهمیت جایگاه خانواده‌های ایرانی در زندگی زناشویی فرزندان‌شان و روند رو به رشد و نگران‌کننده‌ای که در آمار طلاق

وجود دارد (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲) ضرورت مطالعه حاضر را آشکار می‌کند. در این پژوهش مؤلفان مایل به بررسی سهم کیفیت ارتباط همسران با خانواده‌های یکدیگر در پیش‌بینی رضایت زناشویی آنها بودند. بنابراین سؤال پژوهش حاضر عبارت بود از: سهم کیفیت ارتباط همسران با خانواده‌های یکدیگر در پیش‌بینی رضایت زناشویی آنها به چه میزان است؟

مبانی نظری: مسئله ارتباط زوجین با خانواده‌های اصلی‌شان در نظریات خانواده‌درمانی بین‌نسلی<sup>۱</sup> مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب که در نظریات مذکور خانواده سالم به شکل خانواده هسته‌ای تصویر می‌شود که پیرامون آن با دیگر افراد خصوصاً خانواده اصلی همسران مرزهای مشخصی وجود دارد. همسران باید از خانواده خود متمایز شده، مرزهای مشخصی با اعضای خانواده اصلی خود قبل از ازدواج ایجاد کرده و آن را پس از ازدواج نیز حفظ نمایند. در غیر این صورت زندگی زناشویی آنها تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرد. (کر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۰۵) در بسیاری از نظریه‌های بین‌نسلی که در جوامع اروپایی و آمریکایی شکل گرفته‌اند، اعتقاد بر این است که ازدواج از طریق ایجاد یک پیوند عاشقانه بین زن و مردی که یکدیگر را خود انتخاب کرده‌اند شروع می‌شود. بدین ترتیب کیفیت رابطه بین همسران متفاوت از روابط آنها با سایرین است. زیرا این رابطه عمیق‌تر، صمیمی‌تر و متمرکزتر است. این پیوند روان‌شناختی عمیق، همسران را به سمت ایجاد یک مرز هیجانی پیرامون واحد زوجی و تشکیل خانواده هسته‌ای سوق می‌دهد. بنابراین انتظار بر این است که وفاداری حاکم در روابط بین همسران قوی‌تر از وفاداری هریک از آنها به خانواده اصلی‌شان یا سایرین باشد. (روبرتو-فورمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۲۲۱) به نظر می‌رسد که این تصویر ایده‌آل از خانواده قابل تعمیم به تمام جوامع نیست. تصویر اساسی که در نظریات مذکور از خانواده ارائه می‌شود به شکل خانواده هسته‌ای است. در حالی که در همه جوامع تعریف خانواده معادل با خانواده هسته‌ای و به معنی تمام اعضای ساکن در یک منزل نیست. در خیلی جوامع والدین، عروس‌ها و دامادها نیز جزء تعریف خانواده قرار می‌گیرند. (روبرتو-فورمن، ۲۰۰۸: ۲۱۹) در ایران نیز با وجود تحولات گسترده در سطح خانواده (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳: ۲۹۶) و فاصله گرفتن الگوی

1. Transgenerational Family Therapy
2. Kerr
3. Roberto-Forman

خانواده از وضعیت سنتی گسترده، اما هنوز شاهد بروز خانواده هسته‌ای به معنی غربی آن نیستیم. بلکه وضعیت کنونی خانواده همچنان نزدیک به وضعیت گسترده می‌باشد. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۴) باید توجه داشت که مفهوم ازدواج تحت تأثیر فرهنگ و قومیت است. در بسیاری از جمعیت‌ها مثل خانواده‌های مسلمان و یهودی محافظه کار ازدواج یا دست کم ملاقات‌های زوج آینده، توسط بزرگ‌ترهای مورد اعتماد خانواده ترتیب داده می‌شوند. بنابراین ایجاد عشق و اتحاد بین زن و شوهر قبل از ازدواج، نه تنها مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان عاملی مزاحم نیز در نظر گرفته می‌شود. (هاتفیلد و دیگران، ۲۰۰۷: ۵۰۳) همچنین در خانواده‌های غیر غربی یا جوامع جمع‌گرایی مانند کشورهای آسیایی، آمریکای جنوبی و آفریقایی نقش خانواده اصلی همسران بسیار پررنگ است و وفادار ماندن همسران حتی بعد از ازدواج به خانواده‌های اصلی‌شان امری مهم تلقی می‌شود. در این فرهنگ‌ها رابطه والد-فرزندی (خصوصاً مادر و پسر) بسیار مهم‌تر از رابطه زن و شوهری تلقی می‌شود. همچنین در خیلی از فرهنگ‌های جمع‌گرا رفتارهای فرزندان به گونه‌ای تشویق و جهت‌دهی می‌شوند که در صدد برآوردن رضایت خانواده باشد نه رضایت فردی. در حالی که نقطه مقابل این حالت در خانواده غربی مشاهده می‌شود که فرزندان به واسطه ازدواج از خانواده اصلی جدا می‌شوند و خانواده‌های اصلی زوج پس از ازدواج آنها در مرحله دوم اهمیت قرار می‌گیرند. (روبرتو-فورمن، ۲۰۰۸: ۲۲۱) از طرفی در خانواده‌های جمع‌گرا، اتصال مادام‌العمر بین نسلی و احترام فرزندان به اقتدار والدین در تمام سنین بسیار ارزشمند شمرده می‌شود که این امر گاهی با ایدئولوژی‌های دموکراتیک نشئت گرفته از فرهنگ غرب مبنی بر ایجاد پیوند محکم بین زن و شوهر در تعارض قرار می‌گیرد. به این شکل که گاهی رابطه والد-فرزندی مانند پیوند بین مادر یا پدر با فرزند پسر ارشد بسیار قوی می‌شود. به گونه‌ای که بر رابطه بین فرزند پسر و همسرش سایه می‌افکند. (فالیکو، ۲۰۰۳: ۴۸) اگر نسبت به تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع گوناگون توجه نداشته باشیم و تصویر ارائه شده از خانواده در نظریات کلاسیک را به عنوان یک استاندارد جهانشمول در نظر بگیریم بسیاری از خانواده‌های جمع‌گرا مانند خانواده ایرانی به عنوان خانواده‌های ناسالم تشخیص داده خواهند شد. در حالی که باید در تعریف خانواده سالم به ویژگی‌های فرهنگی جوامع توجه داشت. به نظر می‌رسد که در زمینه تبیین روابط خانوادگی در جامعه در حال گذر ایران و ترسیم روابط خانوادگی بهینه خلأ نظری وجود دارد. نکته قابل توجه دیگر این است که در این نظریات کیفیت

رابطه هر یک از همسران با خانواده اصلی خودش مورد توجه بوده است و بر موضوع ارتباط هر یک از آنها با خانواده همسرش تمرکز نشده است. در حالی که همان طور که بیان شد اغلب افراد متأهل با سازگاری زناشویی ضعیف در ایران از ارتباط با خانواده همسر خود شکایت دارند نه خانواده اصلی شان. (صادقی و دیگران، ۲۰۱۲: ۱) این مسئله در نظریات کلاسیک خانواده‌درمانی مورد توجه نبوده است. به بیان دیگر نظریات موجود برای تبیین روابط حاکم بر خانواده‌های ایرانی مناسب نیستند. بنابراین لازم است برای پر کردن خلأ موجود پژوهش‌های بومی در این حوزه انجام گردند.

**پیشینه پژوهش:** به دلیل خلأ وجود دانش مکفی در زمینه رابطه بین زوجین ایرانی با خانواده‌های اصلی یکدیگر، مؤلفان پیش‌تر به اجرای مجموعه پژوهش‌های کمی و کیفی به‌موازات هم در این زمینه پرداخته‌اند. پژوهش‌های اخیر اطلاعات مهمی در زمینه ماهیت رابطه بین زوجین با خانواده‌های یکدیگر و عوامل مرتبط با کیفیت آن در اختیار گذاشته‌اند. مؤلفان در یک پژوهش کیفی که به روش نظریه زمینه‌ای انجام دادند، موفق به استخراج یک مدل نظری برای تبیین روابط سببی شدند و نام آن را مدل سیستمی - مثلثی خانواده گذاشتند. مدل مذکور نشان داد که در وضعیت ایده‌آل خانواده ایرانی باید پس از ازدواج، بین زوجین اتحاد و هویت زوجی ایجاد شود، بین هر یک از زوجین با خانواده اصلی‌اش مرز منعطفی وجود داشته باشد و بالاخره بین هر یک از زوجین با خانواده همسرش پیوستگی وجود داشته باشد. براساس این مدل هر یک از سه مقوله فوق‌بر یکدیگر تأثیرگذارند و همه اجزاء این مدل (زوجین و خانواده‌های آنها) در شکل‌گیری مقولات اخیر نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنچه که بیش از همه در این میان اهمیت دارد وجود یکپارچگی بین همه اعضای مدل سیستمی - مثلثی (زن، شوهر، خانواده زن و خانواده شوهر) می‌باشد. (چراغی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۳) همچنین براساس نتایج پژوهش‌های کمی صورت گرفته، متغیرهای مرتبط با کیفیت ارتباط با خانواده همسر مشخص گردید. برخی از مهم‌ترین یافته‌ها این بود که زنان در مقایسه با مردان از رابطه با خانواده همسر ناراضی‌ترند و تعارضات بیشتری با خانواده همسرشان تجربه می‌کنند. (چراغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷) از طرفی افراد راضی و ناراضی از ارتباط با خانواده همسر، درباره شیوه‌های حل تعارض با خانواده همسر، میزان دریافت و ارائه حمایت‌های مالی و غیرمالی و میزان تأثیرگذاری منفی خانواده همسر بر روابط زناشویی خود گزارش‌های متفاوتی ارائه می‌کنند. (چراغی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۵۱). همچنین مشخص شده است



که در بین اعضای خانواده همسر، مادر بیشترین و پدر کمترین تأثیر را بر همسر فرزند دارا می‌باشند. (چراغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸).

با وجود نتایج پژوهش‌های متعددی که به اهمیت کیفیت رابطه زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر اذعان نموده‌اند و پژوهش‌های مختلفی که مؤلفان در زمینه ارتباط بین اقوام سببی انجام داده‌اند، هنوز سؤالات زیادی در این میان پاسخ داده نشده‌اند. مهم‌ترین مسئله این است که در اکثر پژوهش‌های قبلی تنها به این مسئله اشاره شده است که کیفیت پایین ارتباط بین زوجین با خانواده‌های یکدیگر از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های انحلال زندگی مشترک آنها محسوب می‌شود. اما منظور از کیفیت پایین رابطه بین زوج و خانواده‌ها دقیقاً چیست؟ ارتباط بین زوجین با خانواده‌های یکدیگر ابعاد مختلفی چون میزان تماس و رفت و آمد، تأیید ازدواج زوج از جانب خانواده‌ها، دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده و موارد دیگر را دارا می‌باشد. کدام‌یک از ابعاد ارتباط بین زوج و خانواده‌ها بیشترین تأثیر را بر کیفیت روابط زناشویی آنها دارد؟ آیا واقعاً ارتباط زوجین با خانواده‌های یکدیگر از چنین جایگاه مهمی برخوردار است، یا اینکه معرفی عامل دخالت خانواده‌ها تنها روشی برای فراقنی مشکلات به خانواده همسر در زوجین متقاضی طلاق است؟ آیا در زوجین دیگر نیز کیفیت ارتباط با خانواده همسر چنین جایگاه مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارا می‌باشد؟ با توجه به نتایج پژوهش‌های قبلی که مشخص کردند زنان در مقایسه با مردان از ارتباط با خانواده همسر ناراضی‌ترند (چراغی و دیگران، ۱۳۹۴)، آیا بین دو جنس در میزان سهم کیفیت ارتباط با دو خانواده در پیش‌بینی رضایت زناشویی تفاوتی وجود دارد؟ پژوهش حاضر درصدد است برای سؤالات مذکور پاسخی بیابد.

## روش

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: در این پژوهش جامعه آماری عبارت بود از کلیه افراد متأهل ساکن شهرهای تهران و کرج. معیار ورود افراد به پژوهش زندگی زوج در منزل مشترک حداقل به مدت یک سال و وجود حداقل یک عضو (مادر، پدر، خواهر و برادر) در خانواده اصلی همسر بود.

شیوه نمونه‌گیری این پژوهش از نوع هدفمند بود. مؤلفان تمایل داشتند حتی‌المقدور در نمونه مورد مطالعه، از افراد متعلق به طبقات اجتماعی - اقتصادی مختلف حضور داشته

باشند. با توجه به اینکه بخش‌های مختلف شهر تهران تقریباً نماینده طبقات اقتصادی - اجتماعی متفاوتی می‌باشد، محلات شهر تهران به ۵ بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شدند. سپس از همکاران پژوهش که اغلب از افراد ساکن این مناطق بودند درخواست شد که پرسشنامه‌ها را در محلات تعیین شده توزیع نمایند. درباره شهر کرج تقسیم‌بندی متفاوت بود. زیرا براساس رایزنی با همکاران پژوهش ساکن این شهر، در بخش‌های مختلف شهر، محلات با طبقات اقتصادی - اجتماعی متفاوتی به شکل آمیخته وجود داشت. بنابراین محلات شهر کرج به سه دسته مرفه، متوسط و ضعیف تقسیم شدند و از همکاران خواسته شد تا پرسشنامه‌ها را در خیابان‌های این محلات توزیع کنند. در انتخاب خیابان‌های هدف در هر منطقه، به این گونه عمل شد که اسامی خیابان‌های اصلی در هر یک از مناطق به شکل مجزا نوشته شد و به شکل تصادفی یک خیابان از هر منطقه انتخاب گردید. از همکاران پژوهش خواسته شد که پرسشنامه‌ها را در خیابان‌های اصلی مورد نظر و یا خیابان‌های فرعی و کوچه‌های منتهی به آنها توزیع کنند. توزیع‌کنندگان پرسشنامه به منازل خیابان مذکور مراجعه کرده و پس از اطمینان از دارا بودن شرایط شرکت در تحقیق ساکنین منزل و رضایت آنها نسبت به شرکت در پژوهش به آنها پرسشنامه می‌دادند. در نهایت پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و برای نمره‌گذاری و ورود اطلاعات به کامپیوتر به مؤلف اول مقاله ارسال می‌شدند. در نمونه‌گیری سعی بر این بود که از جنسیت‌ها و طبقات اقتصادی - اجتماعی متفاوت به طور یکسان در افراد نمونه هر شهر گنجانده شود. حجم نمونه شامل ۱۷۲ نفر بود که شامل ۱۰۹ زن و ۶۳ مرد بود. میانگین سنی زنان ۳۶/۸۱ با انحراف میانگین ۹/۵۳ و میانگین سنی مردان ۳۹/۶۸ با انحراف معیار ۱۰/۹۸ بود. میانگین طول مدت ازدواج برای زنان ۱۴/۷۰ و برای مردان ۱۳/۶۳ بود.

## ابزار

**انریچ چهارمقیاسی<sup>۱</sup>:** مجموعه پرسشنامه‌های انریچ شامل ۲۰ آزمون است که برای اهداف بالینی و پژوهشی طراحی شده است. از بین این مجموعه، انریچ چهارمقیاسی بیش از بقیه مورد توجه و استفاده پژوهشگران قرار گرفته است. انریچ چهارمقیاسی متشکل از چهار مقیاس است که در قالب یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی با ۳۵ ماده می‌باشد

1. Four ENRICH Couple Scale

و برای ارزیابی زمینه‌های قدرت و غنای رابطه زوجها طراحی شده است. چهار مقیاس مورد سنجش در این ابزار عبارت‌اند از: رضایت‌مندی زناشویی (شامل گویه‌هایی درباره رضایت از حوزه‌های مختلف رابطه با همسر)، ارتباط (مهارت‌های ارتباطی)، حل تعارض (شیوه‌های حل اختلافات) و تحریف آرمانی (ایده‌آل‌سازی از رابطه زناشویی). دامنه نمرات سه مقیاس اول از ۱۰ تا ۵۰ و برای مقیاس چهارم از ۵ تا ۲۵ می‌باشد. نمره کل از مجموع نمرات چهار مقیاس به‌دست می‌آید. این مقیاس بر روی ۲۱۵۰۱ زوج هنجاریابی شده است و روایی آن از طریق روایی سازه با مقیاس‌های رضایت خانوادگی، رضایت از زندگی همبستگی معنادار ۰/۶۰ و ۰/۴۱ را نشان داده است. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای چهار مقیاس در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. همچنین پایایی آن از طریق آزمون - بازآزمون در بازه زمانی چهار هفته ۰/۸۶ گزارش شده است. (اولسون، ۲۰۰۶: ۱۳)

این آزمون توسط متخصصان روان‌شناس و زبان‌شناس ایرانی ترجمه و ترجمه مجدد شده است. روایی سازه آن از طریق محاسبه همبستگی نمرات این آزمون با آزمون سازگاری زناشویی<sup>۱</sup> ۰/۷۳ گزارش شده است. روایی تفکیکی این آزمون نیز از طریق مقایسه نمرات زوجین سازگار و ناسازگار در این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است و بیانگر آن بوده است که نمرات افراد دو گروه سازگار و ناسازگار به پرسشنامه مذکور تفاوت معناداری نشان می‌دهد. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده در جمعیت ایرانی برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ و برای مقیاس‌های چهارگانه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۹۱ بوده است. (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

در این پژوهش منظور از نمره رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی عبارت است از نمرات افراد در مقیاس‌های چهارگانه انریچ با همین اسامی، که از طریق جمع نمرات آیتم‌های مربوط به هر یک از عامل‌ها حاصل شده است.

پرسشنامه رابطه با خانواده‌های اصلی: از آنجا که هیچ ابزار داخلی که به‌شکل خاص کیفیت ارتباط با خانواده همسران را در ابعاد مختلف مورد سنجش قرار دهد توسط مؤلفین یافت نشد و بررسی ابزارهای خارجی که در برخی خرده‌مقیاس‌های خود به‌بررسی رابطه با خانواده همسران می‌پرداختند (مانند پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ) نشان داد که ابزارهای مذکور ابعاد محدودی از رابطه با خانواده همسران را مورد سنجش قرار می‌دهند و با مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی مطابقت ندارند، محققان در مطالعات پیشین بر آن شدند که برای سنجش کیفیت رابطه با خانواده همسران پرسشنامه‌ای طراحی نمایند. شیوه

ساخت پرسشنامه بدین گونه بود که مؤلف اول مقاله با پنج تن از متخصصان زوج‌درمانگر و خانواده‌درمانگر مصاحبه کرد و از آنها خواست فهرستی از عوامل مرتبط با رضایت زوج‌ها از رابطه با خانواده همسر ارائه دهند. سپس براساس فهرست شکل گرفته مجموعه‌ای از سؤالات طراحی و نگاشته شد. سؤالات در اختیار ۲۰ فرد متأهل قرار گرفت و نظرات آنها درباره قابل فهم بودن سؤالات بررسی شد. در ضمن از افراد مذکور خواسته شد که در صورتی که براساس تجربه آنها سؤالات دیگری می‌تواند با رضایت افراد از رابطه با خانواده همسرشان مرتبط باشد، آنها را بیان کنند. پس از انجام اصلاحات صورت گرفته در پرسشنامه براساس نظرات افراد متأهل پرسشنامه نهایی مجدداً به متخصصان برای بازبینی و تأیید و بررسی روایی صوری عودت داده شد. پس از تأیید متخصصان، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. پرسشنامه دارای ۶۱ ماده بود که موضوعاتی چون کیفیت رابطه همسران با دو خانواده، رضایت دو خانواده اصلی برای ازدواج همسران، میزان تماس تلفنی و ملاقات همسران با دو خانواده، برآورد سهم دو خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی، میزان تبادل کمک‌های مالی و غیرمالی از جانب همسران و دو خانواده، علل، موضوعات و شیوه واکنش به تعارضات پیش آمده با دو خانواده از جانب همسران، میزان جانبداری همسران از خانواده خودشان در برابر یکدیگر، سیر تحول رابطه همسران با خانواده‌های یکدیگر، کیفیت تعاملات فرزندان با دو خانواده را مورد سنجش قرار می‌داد. نمره‌گذاری برخی از سؤالات به شکل لیکرت (۴۰ سؤال)، برخی به شکل صفر و یک بود. یعنی برای پاسخ به آن سؤال تعدادی گزینه به شرکت کننده ارائه می‌گردید که باید از بین آنها گزینه مورد نظر را انتخاب می‌کرد (۱۹ سؤال). برخی دیگر از سؤالات نیز به گونه‌ای بود که شرکت کننده باید میزان رضایت خود از رابطه را با انتخاب عددی از یک تا ۲۰ اعلام می‌کرد (دو سؤال). برای تعیین عوامل یا مؤلفه‌های تشکیل دهنده این پرسشنامه از تحلیل عامل اکتشافی با روش چرخش متعامد استفاده شده است. البته لازم به توضیح است که تحلیل عوامل در مورد سؤالاتی که به شیوه لیکرت نمره‌گذاری شده بودند انجام گردید (۴۰ سؤال). تحلیل عوامل پرسشنامه بر روی اطلاعات حاصل از یک نمونه ۷۳۵ نفری از شش شهر (تهران، کرج، ساری، سنندج، ارومیه و یزد) انجام شد. چهار عامل استخراج شده به ترتیب خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده (۱۷ آیتم)، کیفیت ارتباط زوج با خانواده همسر (۷ آیتم)، کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی (۶ آیتم) و دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده (۶ آیتم) نام‌گذاری شدند. (چراغی و دیگران،

۱۳۹۳: ۴۵۸ و ۱۳۹۴: ۱۵) برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای محاسبه‌شده برای سؤالات کمی (۴۰ سؤال پرسشنامه) برابر با ۰/۸۸ بود. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای هر یک از ۴ عامل به ترتیب عبارت از ۰/۸۸، ۰/۸۱، ۰/۷۱ و ۰/۵۷ بوده است.

آیتم‌های مربوط به عامل خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده عبارت‌اند از: کیفیت ارتباط بین هر یک از همسران با خانواده مقابل، برآورد سهم هر یک از دو خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی، اعتقاد به وجود انتظارات غیرمعقول هر یک از دو خانواده از عروس یا دامادشان، طرفداری غیرمنطقی هر یک از همسران از خانواده اصلی‌اش در برابر همسرش، ناخرسندی هر یک از زوجین از میزان حضور یا رفت و آمد با خانواده همسرش، میزان به‌میان آمدن موضوع خانواده همسران در دعوای زناشویی و میزان توهین به آنها. نمره کسب‌شده در این عامل از ۰ تا ۶۸ متغیر است. نمره بالاتر به معنی وضعیت مطلوب‌تر در روابط طرفین است. در این پژوهش نیز منظور از خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده نمرات افراد در عامل مذکور است که از طریق جمع نمرات آیتم‌های مربوطه به‌دست آمده است.

آیتم‌های مربوط به عامل کیفیت ارتباط زوج با خانواده همسر، عبارت بودند از کیفیت ارتباط همسر فرد با خانواده‌اش، میزان تماس و رفت و آمد هر یک از زوجین با خانواده همسر و میزان دریافت حمایت‌های مالی و غیرمالی زوج از سوی خانواده همسر. نمره کسب‌شده در این عامل از ۰ تا ۲۸ متغیر است. نمره بالاتر به معنی وضعیت مطلوب‌تر در روابط طرفین است. در این پژوهش نیز منظور از کیفیت ارتباط زوج با خانواده همسر نمرات افراد در عامل مذکور است که از طریق جمع نمرات آیتم‌های مربوطه به‌دست آمده است.

عامل کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی آیتم‌هایی چون کیفیت رابطه فرد با خانواده اصلی‌اش، میزان تماس هر یک از زوجین با خانواده اصلی فرد، میزان رفت و آمد همسر فرد با خانواده اصلی فرد و میزان دریافت حمایت‌های مالی و غیرمالی زوج از سوی خانواده اصلی می‌باشد. نمره کسب‌شده در این عامل از ۰ تا ۲۴ متغیر است. نمره بالاتر به معنی وضعیت مطلوب‌تر در روابط طرفین است. در این پژوهش نیز منظور از کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی نمرات افراد در عامل مذکور است که از طریق جمع نمرات آیتم‌های مربوطه به‌دست آمده است.

عامل دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده نیز شامل آیتم‌های زیر می‌شود: میزان وابستگی مالی زوجین به هر یک از دو خانواده و میزان نیازمندی هر یک از دو خانواده به کمک‌های مالی و غیرمالی زوج. نمره کسب‌شده در این عامل از ۰ تا ۲۴ متغیر است. نمره بالاتر به معنی عدم نیاز هر یک از طرفین به کمک می‌باشد. در این پژوهش نیز منظور از دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده، نمرات افراد در عامل مذکور است که از طریق جمع نمرات آیتم‌های مربوطه به‌دست آمده است.

### یافته‌ها

شرکت‌کنندگان به‌طور همزمان به دو پرسشنامه چهارمقیاسی انریچ و پرسشنامه رابطه با خانواده‌های اصلی زوج پاسخ دادند. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار چهار خرده مقیاس انریچ و چهار عامل استخراج‌شده از پرسشنامه رابطه با خانواده‌های اصلی به‌شکل کلی و به‌تفکیک جنسیت ارائه شده است.

۱۱۲

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه

پرسشنامه رابطه با خانواده‌های اصلی زوج				پرسشنامه چهارمقیاسی انریچ					
دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده	کیفیت ارتباط با خانواده اصلی	کیفیت ارتباط با همسر	خرسندی از ارتباط با دو خانواده	تحریف آرمانی	حل تعارض	ارتباط	رضایت زناشویی		
۲۰/۵۵	۱۵/۰۴	۱۶/۲۴	۵۱/۲۵	۱۸/۰۶	۲۸/۹۳	۳۲/۵۶	۳۴/۴۱	کل	میانگین
۲۰/۳۶	۱۴/۸۹	۱۵/۳۸	۵۰/۵۴	۱۷/۲۵	۲۷/۸۳	۳۱/۰۱	۳۲/۹۲	زنان	
۱۹/۹۲	۱۵/۲۹	۱۷/۷۱	۵۲/۴۷	۱۹/۴۸	۳۰/۸۳	۳۵/۲۵	۳۶/۹۰	مردان	
۳/۰۲	۴/۴۷	۵/۸۰	۱۰/۴۱	۴/۶۳	۶/۱۳	۷/۸۰	۷/۲۸	کل	انحراف معیار
۳/۲۱	۴/۲۸	۶/۰۹	۹/۹۸	۴/۵۶	۶/۱۶	۷/۹۰	۶/۹۲	زنان	
۳/۵۵	۴/۷۹	۴/۹۸	۱۱/۰۸	۴/۴۳	۵/۶۴	۶/۹۰	۷/۰۹	مردان	

در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین چهار خرده‌مقیاس انریچ و چهار عامل ارتباط بین زوجین با خانواده‌های اصلی ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود عامل چهارم یا دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده با هیچ‌یک از خرده‌مقیاس‌های انریچ رابطه معناداری نداشته است.

جدول ۲: رابطه بین مقیاس‌های انریچ و چهار عامل پرسشنامه رابطه با خانواده‌های اصلی همسران

رضایت زناشویی	ارتباط	حل تعارض	تحریف آرمانی	
* $r=0/64$ $p<0/001$	* $r=0/59$ $p<0/001$	* $r=0/53$ $p<0/001$	* $r=0/57$ $p<0/001$	خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده
* $r=0/37$ $p<0/001$	* $r=0/38$ $p<0/001$	* $r=0/30$ $p<0/001$	* $r=0/32$ $p<0/001$	کیفیت ارتباط زوج با خانواده همسر
* $r=0/30$ $p<0/001$	* $r=0/31$ $p<0/001$	* $r=0/22$ $p<0/004$	* $r=0/26$ $p<0/001$	کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی
$r=0/10$ $p<0/2$	$r=0/13$ $p<0/1$	$r=0/06$ $p<0/48$	$r=0/14$ $p<0/07$	دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده

۱۱۳

برای تعیین تأثیر هر یک از سه عامل خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده، کیفیت ارتباط زوج با خانواده همسر و کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی بر واریانس خرده‌مقیاس‌های چهارگانه رضایت زناشویی از روش رگرسیون گام به گام<sup>۱</sup> استفاده شد. قبل از انجام رگرسیون برای واریانس مقادیر پرت از فاصله مهالانوبیس<sup>۲</sup> استفاده شد. نتایج حاکی از عدم وجود مقادیر پرت بود. جداول ۳، ۴ و ۵ و ۶ نتایج رگرسیون را به شکل کلی و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود مدل‌های ارائه‌شده صرف نظر از جنسیت افراد، قادر به پیش‌بینی ۴۲٪ از واریانس رضایت زناشویی، ۳۸٪ از واریانس ارتباط، ۲۸٪ از واریانس حل تعارض و ۳۴٪ از واریانس تحریف آرمانی بوده‌اند.

مقایسه سه ردیف کل، زنان و مردان در جداول تحلیل رگرسیون، نتایج مهمی را آشکار می‌سازد. در جدول ۳ مشاهده می‌شود که متغیر پیش‌بین ارتباط با دو خانواده، به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی ۴۰٪ واریانس نمره رضایت زناشویی در زنان می‌باشد. اما در ردیف مردان مشاهده می‌گردد که در مدل پیشنهادی، دو متغیر ارتباط همسران با دو خانواده به همراه متغیر ارتباط زوجین با خانواده اصلی، قادر به پیش‌بینی ۵۰٪ واریانس رضایت زناشویی می‌باشد. در جداول ۴، ۵ و ۶ نیز مشاهده می‌شود که مدل‌های ارائه‌شده قادر به تبیین واریانس بیشتری از نمرات رضایت زناشویی در مردان می‌باشند.

1. Stepwise

2. Mahalanobis Distance

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی نمره رضایت زناشویی

Tolerance	معناداری	t	$\beta$ استاندارد	B	معناداری	ضریب F	$R^2$ تعدیل شده	$R^2$	R	متغیرهای پیش‌بین		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۱۰/۶۸	۰/۶۴	۰/۴۵	۰/۰۰۱	۱۱۴/۱۴	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۶۴	ارتباط با دو خانواده	گام اول	کل
۰/۸۷	۰/۰۰۱	۹/۱۹	۰/۵۸	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۶۲/۰۹	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۶۵	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۷	۰/۰۱	۲/۵۳	۰/۱۶	۰/۲۰						ارتباط با خانواده همسر		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۸/۴۵	۰/۶۴	۰/۴۵	۰/۰۰۱	۷۱/۳۸	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۶۴	ارتباط با دو خانواده	گام اول	زنان
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۶/۵۶	۰/۶۵	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۴۳/۰۲	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۶۴	ارتباط با دو خانواده	گام اول	مردان
۰/۸۴	۰/۰۰۱	۵/۱۰	۰/۵۰	۰/۳۲	۰/۰۰۱	۳۱/۸۵	۰/۵۰	۰/۵۲	۰/۷۲	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۴	۰/۰۰۱	۳/۵۳	۰/۳۵	۰/۵۲						ارتباط با خانواده اصلی		

۱۱۴

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی نمره ارتباط

Tolerance	معناداری	t	$\beta$ استاندارد	B	معناداری	ضریب F	$R^2$ تعدیل شده	$R^2$	R	متغیرهای پیش‌بین		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۹/۵۶	۰/۶۰	۰/۴۵	۰/۰۰۱	۹۱/۴۴	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۶۰	ارتباط با دو خانواده	گام اول	کل
۰/۸۷	۰/۰۰۱	۸/۰۱	۰/۵۲	۰/۳۹	۰/۰۰۱	۵۲/۸۴	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۶۲	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۷	۰/۰۰۲	۳/۱۰	۰/۱۶	۰/۲۷						ارتباط با خانواده همسر		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۷/۰۶	۰/۵۷	۰/۴۵	۰/۰۰۱	۴۹/۸۵	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۵۷	ارتباط با دو خانواده	گام اول	زنان
۰/۹۰	۰/۰۰۱	۶/۱۷	۰/۵۲	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۲۷/۶۹	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۵۹	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۹۰	۰/۰۵	۲/۰۲	۰/۱۷	۰/۲۲						ارتباط با خانواده همسر		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۶/۶۸	۰/۶۵	۰/۴۰	۰/۰۰۱	۴۴/۵۹	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۶۵	ارتباط با دو خانواده	گام اول	مردان
۰/۸۴	۰/۰۰۱	۵/۳۰	۰/۵۴	۰/۳۳	۰/۰۰۱	۲۸/۶۳	۰/۴۸	۰/۴۹	۰/۷۰	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۴	۰/۰۰۷	۲/۷۷	۰/۲۸	۰/۴۰						ارتباط با خانواده همسر		



جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی نمره حل تعارض

Tolerance	معناداری	$t$	$\beta$ استاندارد	$B$	معناداری	ضریب $F$	$R^2$ تعدیل شده	$R^2$	$R$	متغیرهای پیش‌بین		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۸/۱۱	۰/۱۵۳	۰/۳۱	۰/۰۰۱	۶۵/۸۴	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۵۳	ارتباط با دو خانواده	گام اول	کل
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۵/۶۵	۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۰۰۱	۳۱/۸۸	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۴۸	ارتباط با دو خانواده	گام اول	زنان
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۵/۹۴	۰/۶۱	۰/۳۱	۰/۰۰۱	۳۵/۲۷	۰/۳۶	۰/۳۷	۰/۶۱	ارتباط با دو خانواده	گام اول	مردان
۰/۸۴	۰/۰۰۱	۴/۵۹	۰/۴۹	۰/۲۵	۰/۰۰۱	۲۳/۴۱	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۶۷	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۴	۰/۰۰۸	۲/۷۷	۰/۲۹	۰/۳۵						ارتباط با خانواده اصلی	گام دوم	

۱۱۵

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی نمره تحریف آرمانی

Tolerance	معناداری	$t$	$\beta$ استاندارد	$B$	معناداری	ضریب $F$	$R^2$ تعدیل شده	$R^2$	$R$	متغیرهای پیش‌بین		
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۸/۹۶	۰/۱۵۷	۰/۲۵	۰/۰۰۱	۸۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۵۷	ارتباط با دو خانواده	گام اول	کل
۰/۸۷	۰/۰۰۱	۷/۶۶	۰/۱۵۲	۰/۲۳	۰/۰۰۱	۴۳/۳۰	۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۵۹	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۷	۰/۰۰۳	۲/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۱						ارتباط با خانواده همسر	گام دوم	
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۶/۵۷	۰/۱۵۴	۰/۲۵	۰/۰۰۱	۴۳/۱۷	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۵۴	ارتباط با دو خانواده	گام اول	زنان
۱/۰۰	۰/۰۰۱	۶/۱۱	۰/۱۶۲	۰/۲۴	۰/۰۰۱	۳۷/۳۶	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۶۲	ارتباط با دو خانواده	گام اول	مردان
۰/۸۴	۰/۰۰۱	۴/۸۶	۰/۱۵۲	۰/۲۰	۰/۰۰۱	۲۲/۳۳	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۶۶	ارتباط با دو خانواده	گام دوم	
۰/۸۴	۰/۰۰۳	۲/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۱						ارتباط با خانواده اصلی	گام دوم	

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی سهم کیفیت رابطه همسران با خانواده‌های یکدیگر در پیش‌بینی رضایت زناشویی آنها انجام گردید. یافته‌ها نشان داد که بین تمام مقیاس‌های

انریج با ارتباط زوجین با خانواده‌های یکدیگر رابطه معناداری مشاهده می‌شود. همان‌طور که مشاهده شد عامل خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده، به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی ۴۰٪ از واریانس رضایت زناشویی، ۳۵٪ واریانس ارتباط بین زوج، ۲۸٪ واریانس حل تعارض و ۳۲٪ واریانس تحریف آرمانی در دو جنس بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که برقراری ارتباط مطلوب بین زوجین با دو خانواده اصلی حداقل یک‌سوم رضایت زناشویی آنها را پیش‌بینی می‌کند. این یافته مهم را می‌توان به‌نوعی با نتایج پژوهش‌های قبلی که حاکی از این بودند که کیفیت پایین رابطه با خانواده همسر می‌تواند از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم طلاق در ایران باشد همسو دانست. (فاتحی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲۴؛ سامانی، ۱۳۸۶: ۶۶۲؛ زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶: ۷۳۷؛ قطبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸۰ و مظاهری و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۱۴) ارتباط بین دو متغیر رضایت زناشویی همسران و کیفیت ارتباط آنها با خانواده‌های اصلی یکدیگر را می‌توان به چند شیوه تبیین کرد.

خانواده همواره در جامعه ایران به‌دلیل آموزه‌های فرهنگی و مذهبی جایگاه محکم و مهمی را دارا بوده است. (پیرمرادی، ۱۳۸۳: ۱۸ و شعبانی، ۱۳۷۴: ۱۵۳) همچنین بررسی منابع تاریخی و مطالعات مردم‌شناختی در جامعه ایران نشان می‌دهد که به‌دلیل بی‌ثباتی‌های سیاسی - اجتماعی و بی‌عدالتی حاکمان خون‌ریز، در طول تاریخ به‌مرور زمان احساس ناامنی شدید و بی‌اعتمادی به غیر در افراد ریشه دوانیده است. ظاهراً این احساس ناامنی و بی‌اعتمادی به غیر خودی‌ها، اهمیت بالای نهاد خانواده و پیوندهای خونی را در جامعه ایران دوچندان کرده است. (بیمن، ۱۳۸۶: ۱۱۰؛ ثریا، ۱۳۸۸: ۷۳ و سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۹۱) از طرفی در طول تاریخ با وجود غلبه شغل کشاورزی در منطقه ایران، زندگی به‌شکل خانواده هسته‌ای و اهمیت وجود فرزندان بیشتر به‌عنوان منابع کمکی در اقتصاد خانواده بسیار زیاد بوده است. (اعزازی، ۱۳۷۶: ۷۹ و بهنام، ۱۳۵۶: ۱۶) بدین ترتیب از دیرباز تاکنون، اعضای خانواده اصلی و حفظ پیوند و وفاداری نسبت به آنان از جایگاه ویژه‌ای در تعاملات ایرانیان برخوردار است. طبیعی است که با چنین نگرشی اعضای خانواده اصلی سرمایه‌های روانی مهمی برای افراد محسوب می‌شوند که تا جای ممکن باید مانع از دور شدن و از دست دادن آنها شد. بنابراین این امر که زوجین حتی پس از ازدواج و تشکیل خانواده همچنان نسبت

به خانواده اصلی خود احساس وفاداری کنند واقعیتی غیرقابل انکار در جامعه ایران است که باید مورد توجه متخصصان خانواده در ایران قرار گیرد. از طرفی براساس نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین این امر می‌تواند تأثیر عمیقی بر کیفیت روابط زوجین بر جای گذارد. بنابراین باید برای این مسئله فرهنگی راه‌حل‌های متناسب با فرهنگ نیز اندیشیده شود.

نگاهی به سؤالات عامل خرسندی زوج از ارتباط با دو خانواده که به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی درصد قابل توجهی از واریانس مقیاس‌های انریچ بود، به درک نتایج پژوهش کمک شایانی می‌نماید. موضوع سؤالات مربوط به این عامل عبارت بودند از: کیفیت رابطه هر یک از همسران با خانواده مقابل، انتظارات غیرمعقول هر یک از خانواده‌های زوجین، میزان سهم دو خانواده در تعارضات زناشویی زوج، به‌میان آمدن موضوع دو خانواده و توهین به آنها در مشاجرات زوجین، طرفداری هر یک از زوجین از خانواده اصلی، ترجیح هر یک از همسران به ملاقات با خانواده اصلی در غیاب همسر، ناراحتی هر یک از زوجین از میزان حضور و رفت و آمد خانواده همسر و میزان موافقت خانواده اصلی با ازدواج زوجین. نحوه پاسخدهی افراد به این مجموعه سؤالات، وضعیت تعامل بین همسران و خانواده‌های آنها را با یکدیگر و به‌عبارت دیگر میزان انسجام و یکپارچگی بین آنها را به‌تصویر می‌کشد. به این معنی که هر یک از همسران تا چه حد موفق به پذیرفته شدن در خانواده طرف مقابل و برقراری رابطه مطلوب با آنها شده است. این مفهوم که در پژوهش کیفی چراغی (۱۳۹۳: ۸۸-۸۷) نیز به‌عنوان کد محوری توصیف شده است نمایانگر حالتی است که در آن کلیه اجزای مدل سیستمی - مثلثی (زن، شوهر، خانواده زن و خانواده شوهر) در حفظ انسجام و تماس با اجزاء دیگر می‌کوشند. آنها حفظ منافع کل سیستم را بر ارضای نیازهای فردی مقدم می‌دارند. زیرا به‌نظر می‌رسد با حفظ منافع کل سیستم منافع همه اجزاء تأمین خواهد شد. در حالت انسجام هر یک از سه جزء در واکنش‌های خود، حتی در شرایط ایجاد تعارض با دو جزء دیگر، به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که هماهنگی کل سیستم به هم نریزد. در وضعیت انسجام بین اجزاء، همه اجزاء وجود یکدیگر را به‌رسمیت می‌شناسند و هیچ‌یک در صدد حذف اجزای دیگر از صحنه نمی‌باشند. چنین وضعیتی به ایجاد حالت برد - برد - برد در کل سیستم می‌انجامد. توصیفات اخیر در شکل ۱ به‌تصویر کشیده شده است.



شکل ۱: مدل وضعیت بهینه ازدواج در جامعه ایران (چراغی، ۱۳۹۳: ۸۴)

براساس شکل ۱ به نظر می‌رسد که وضعیت ایده‌آل ازدواج در جامعه ایران تنها به معنی ایجاد رابطه مطلوب بین زن و شوهر نیست بلکه به معنی ایجاد یک واحد جدید و منسجم متشکل از زوجین و خانواده‌های آنها می‌باشد که در عین حال مرزهای مشخص و منعطفی نیز بین آنها وجود دارد. در حالی که وقتی هر یک از زوجین تنها احساس تعلق به خانواده اصلی‌اش دارد و وفاداری نسبت به خانواده اصلی بر وفاداری نسبت به همسرشان غلبه دارد (دوکومون - نژی و شوئری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۱۳۹) شاهد بروز مشکلاتی زیادی در روابط بین اجزای سیستم و شکل‌گیری دو جبهه مقابل هم خواهیم بود. در این حالت هر یک از همسران در اتحاد با خانواده‌اش و در مقابل همسر و خانواده همسرش قرار دارد. رفتارهایی مانند طرفداری از خانواده اصلی، ترجیح به ملاقات خانواده اصلی در غیاب همسر از تظاهرات چنین وضعیتی به‌شمار می‌روند. از طرفی با توجه به اهمیت مفهوم خانواده در فرهنگ ایرانی و وجود احساسات قوی نسبت به خانواده اصلی در ایرانیان، عجیب نیست که یکی از روش‌های تخلیه خشم در همسران هنگام بروز مشاجرات جدی، متهم کردن خانواده‌های یکدیگر، پیش کشیدن بحث آنها در مشاجرات و اهانت به آنها باشد. (صادقی و دیگران، ۲۰۱۲: ۱) به نظر می‌رسد که این مسئله به‌نوبه خود باعث ایجاد یک چرخه منفی در روابط زوج خواهد شد. به این صورت که نارضایتی آنها از رابطه زناشویی آنها را به سمت متهم ساختن و توهین به خانواده طرف مقابل سوق می‌دهد. از طرفی متهم شدن و مورد توهین قرار گرفتن خانواده اصلی هر یک از زوجین باعث جریحه‌دار شدن احساسات و در صدد دفاع از خانواده اصلی در برابر همسر برآمدن و احتمالاً مقابله به‌مثل می‌گردد. در نتیجه رضایت زناشویی تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرد.

از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر وجود تفاوت بین دو جنس در پیش‌بینی واریانس

نمرات انریچ براساس ۴ عامل پرسشنامه ارتباط با دو خانواده اصلی بود. همان‌طور که در جداول ۳ تا ۶ مشاهده شد، نمرات مقیاس‌های انریچ مردان بیشتر از زنان براساس کیفیت ارتباط زوج با دو خانواده اصلی تبیین می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت مطلوب ارتباط زوج با دو خانواده برای مردان مهم‌تر از زنان است و رضایت زناشویی آنها را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در نتایج مشاهده می‌شود که اولین و مهم‌ترین متغیر پیش‌بین در هر دو جنس عامل ارتباط زوج با دو خانواده است. در گام بعدی مهم‌ترین متغیر پیش‌بین در مردان، کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی است. همان‌طور که مشاهده شد، دو عامل مذکور در کنار هم در مردان قادر به پیش‌بینی ۵۰٪ واریانس رضایت زناشویی، ۴۸٪ واریانس ارتباط، ۴۲٪ واریانس حل تعارض و ۴۳٪ واریانس تحریف آرمانی می‌باشند. در حالی که در زنان مهم‌ترین متغیر پیش‌بین عبارت است از عامل ارتباط زوج با دو خانواده. این عامل به‌تنهایی قادر به تبیین ۴۰٪ واریانس رضایت زناشویی، ۳۲٪ واریانس ارتباط، ۲۳٪ واریانس حل تعارض و ۲۹٪ واریانس تحریف آرمانی در زنان بوده است. دومین متغیر پیش‌بین در زنان، ارتباط زوج با خانواده همسر بوده است که تنها قادر به افزایش ۲٪ به واریانس تبیین‌شده ارتباط در زنان بوده است. بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد که برقراری رابطه مطلوب با خانواده مردان، هم برای مردان و هم زنان مهم‌تر بوده است. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که نقش خانواده مردان در تعیین رضایت زناشویی همسران مهم‌تر از خانواده زنان می‌باشد. این یافته به‌نوعی با یافته پژوهش چراغی و همکاران (۱۳۹۴: ۲۰) که نشان دادند نقش خانواده شوهران در ایجاد تعارضات زناشویی بیشتر و مهم‌تر از خانواده زنان است، همسو دانست. از طرفی این یافته را می‌توان از منظری دیگر تبیین کرد. با توجه به اینکه در اکثر خانواده‌های جمع‌گرا تأکید بیشتر بر روابط بین‌نسلی است تا روابط با همسر و بر وفاداری مطلق فرزندان (خصوصاً فرزندان ذکور) به خانواده تأکید زیادی می‌گردد (فالیکو، ۲۰۰۳: ۴۸) می‌توان این امر را بهتر درک کرد. زیرا در چنین بافت‌های فرهنگی رابطه فرزند پسر - والدین از اهمیت بالایی برخوردار است و فرزند پسر پس از ازدواج باید نشان دهد که همچنان به خانواده خود وفادار مانده است. (سونپر، ۲۰۰۵: ۳۰۶) از طرفی براساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، زنان استانداردهای بالاتری نسبت به رابطه با همسرشان دارا می‌باشند (ملک‌عسکر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۰) و به‌نوعی درباره همسرشان تمامیت‌خواه‌ترند (چراغی، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۱) بنابراین احتمال اینکه زنان بیشتر از مردان در ارتباط با خانواده

همسرشان دچار مشکل شوند بیشتر است. زیرا اغلب با خانواده همسرشان بر سر تصاحب کامل شوهرشان در کشمکش خواهند بود. از طرفی احتمالاً مردان نیز در میان تعارض بین خانواده و همسرشان دچار فشار می‌گردند. بر این اساس می‌توان درک کرد که چرا سهم خانواده مردان در پیش‌بینی نمرات زناشویی بالاتر از خانواده زنان است و چرا عامل برقراری رابطه مطلوب با خانواده اصلی برای مردان از جایگاه مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی برخوردار است.

یافته‌های این پژوهش از این نظر مهم و قابل توجه بود که با نکات مطرح در نظریات کلاسیک خانواده، خصوصاً نظریه بین‌نسلی بوئن تفاوت قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. به این معنی که ظاهراً در ارتباط بین همسران با خانواده‌های اصلی آنها، مفهوم تمایز یافتگی به‌شکلی که در نظریه بوئن (کر، ۲۰۰۳: ۱۰۵) معرفی می‌گردد، رخ نمی‌دهد. به این معنی که همسران حتی پس از ازدواج، پیوندهای عاطفی شدیدی با خانواده خود دارند. بنابراین براساس نتایج، وجود پیوندهای شدید عاطفی بین هر یک از همسران با خانواده اصلی‌اش چالش بزرگی برای ازدواج آنها محسوب نمی‌شود. بلکه عدم ایجاد یکپارچگی بین خانواده تازه‌تأسیس با دو خانواده اصلی زوجین مشکل‌زا خواهد بود. کما اینکه در نتایج نیز مشاهده شد که عامل دریافت و ارائه کمک بین زوجین و دو خانواده ارتباط معناداری با مقیاس‌های انریچ نشان نداد. این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که به‌دلیل نزدیک بودن خانواده ایرانی به‌وضعیت گسترده، ارائه و دریافت کمک‌های مالی و غیرمالی بین زوج و خانواده‌های اصلی‌شان امری متداول و پذیرفته محسوب می‌گردد. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۹) این امر به‌نوعی نشانگر تفاوت‌های خانواده ایرانی با خانواده غربی است و مجدداً بر تفاوت‌های ظریف فرهنگی در زمینه روابط خانوادگی تأکید می‌کند. بر این اساس لزوم توجه به ویژگی‌های خاص خانواده ایرانی و ضرورت طراحی مداخلات خاص پیشگیرانه و درمانی در این زمینه و پرهیز از ترجمه صرف برنامه‌های درمانی مبتنی بر نظریات خانواده‌درمانی غربی و استفاده از آنها برای خانواده ایرانی آشکارتر می‌گردد. مؤلفان با تکیه بر نتایج پژوهش حاضر، بر طراحی مداخلات خاص درمانی و پیشگیرانه برای ارتقای رابطه زوجین با خانواده‌های یکدیگر که با ویژگی‌های جامعه ایران تناسب داشته باشد تأکید دارند. توصیه بر این است که مداخلات مذکور به‌معرفی تصویر بهینه خانواده ایرانی به مخاطبان پرداخته و مهارت‌های لازم را به زوجین و خانواده‌ها برای مدیریت مشکلات پیش آمده در این حوزه بیاموزند. همچنین به‌نظر می‌رسد که بهتر

است در برنامه‌های مداخلاتی به زنان کمک شود تا نقش مهم برقراری رابطه مطلوب با خانواده همسرشان را در پیش‌بینی رضایت زناشویی خود و همسرشان درک کنند و به مهارت‌های لازم در زمینه برقراری رابطه مطلوب با اقوام سببی تجهیز گردند. از طرفی مردان نیز لازم است با درک نگرش زنان نسبت به ازدواج و روابط سببی، به ایجاد یک واحد خانوادگی مستقل و در عین حال پیوسته به دو خانواده اصلی کمک کنند. با توجه به شرایط خاص و در حال گذر خانواده ایرانی در این برهه از زمان، و روند رو به‌رشد طلاق در جامعه ایران، که بخش قابل توجهی از آن به‌دلیل شکست در برقراری روابط زوجین با دو خانواده اصلی می‌باشد، ضرورت طراحی و اجرای چنین مداخلاتی بیش از پیش احساس می‌شود.

#### محدودیت‌های پژوهش

از آنجا که نمونه مورد بررسی به‌روشن هدفمند و تنها از ساکنان شهرهای تهران و کرج تأمین شده و معرف کل زنان و مردان متأهل ایرانی و مسائل موجود در روابط آنها نبوده است، در تعمیم‌دهی نتایج حاصل از پژوهش باید با احتیاط عمل کرد\*.

\* تشکر و قدردانی:

از همکاری آقای نوید زین‌الدینی و خانم‌ها مریم افراز، زهرا نوری، شبنم اصغری، لیلا آشنا، نفیسه نوروزی، غزال قربانی‌راد، معصومه ستارزاده، عاطفه پویا، فاطمه جعفرپور، سونیا یعقوبی و مریم زارع‌زادگان که در امر نمونه‌گیری، توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند بسیار سپاسگزاریم.

## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
۲. آزاد مهر، آزاد دخت؛ شادی منصور زاهدی؛ کتایون زنجانیان و سیدعلیرضا اسلامی. (۱۳۷۹). عوامل مؤثر در طلاق. *مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق*. اصفهان.
۳. اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در جامعه معاصر*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۴. بشارت، محمدعلی؛ آناهیتا تاشک و سیدمحمد رضا رضازاده. (۱۳۸۵). تبیین رضایت زناشویی و سلامت روانی بر حسب سبک‌های مقابله. *روان‌شناسی معاصر*. دوره اول. شماره اول.
۵. بهنام، جمشید. (۱۳۵۶). *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی.
۶. بیرامی، منصور؛ صمد فهیمی؛ ابراهیم اکبری و احمد امیری. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*. سال چهاردهم. شماره ۵۳.
۷. بیمن، ویلیام. (۱۳۸۶). *زبان، منزلت و قدرت در ایران*. رضا مقدم کیا. تهران: نشر نی.
۸. پوردهقان، محمد؛ شهناز محمدی و علیرضا محمودنیا. (۱۳۸۷). رابطه بین عزت نفس و رضایت زناشویی معلمان مدارس راهنمایی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. سال دوم. شماره ۴.
۹. پیرمرادی، سعید. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی خانواده ایرانی*. اصفهان: همام.
۱۰. ثریا، سیدمهدی. (۱۳۸۸). *شخصیت در فرهنگ با خطوطی از چهره فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات دانژه.
۱۱. جنادله، علی و مریم رهنما. (۱۳۹۳). *دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی)*. *خانواده‌پژوهی*. ۱۰. (۳۹). ۲۷۷-۲۹۶.
۱۲. چراغی، مونا. (۱۳۹۳). *سبک‌های ارتباط با خانواده همسر در زوجین ایرانی و طراحی و بررسی اثربخشی بسته زوج‌درمانی مبتنی بر فرهنگ بر سازگاری زناشویی و کیفیت ارتباط با خانواده همسر*. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. چراغی، مونا؛ محمدعلی مظاهری؛ فرشته موتابی؛ لیلی پناغی و منصوره‌السادات صادقی. (۱۳۹۳). مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور. *خانواده‌پژوهی*. دوره دهم. شماره ۴۰.
۱۴. چراغی، مونا؛ محمدعلی مظاهری؛ فرشته موتابی؛ لیلی پناغی و منصوره‌السادات صادقی. (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی. *خانواده‌پژوهی*. دوره یازدهم. شماره ۴۱.
۱۵. خلیج‌آبادی فراهانی، فریده و امیر هوشنگ مهریار. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. *خانواده‌پژوهی*. دوره ۶. شماره ۲۴.
۱۶. رحمانی، نرگس؛ میترا قسیمي؛ جمیله محتشمی؛ حمید علوی‌مجد و فریده یغمایی. (۱۳۸۸). *علل*



- روانسی، اجتماعی و اقتصادی طلاق از دیدگاه متقاضیان طلاق دادگاه‌های خانواده تهران ۸۶-۱۳۸۵. فصلنامه دنا. دوره ۴. شماره ۳ و ۴.
۱۷. زرگر، فاطمه و حمیدطاهر نشاط‌دوست. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. خانواده‌پژوهی. شماره ۱۱.
۱۸. سامانی، سیامک. (۱۳۸۶). بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیرهای زناشویی در گروهی از دانشجویان متأهل در دانشگاه شیراز. خانواده‌پژوهی. شماره ۱۱. دوره سوم.
۱۹. سپهری، صفورا؛ محمدعلی مظاهری. (۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. روان‌شناسی تحولی. شماره ۲۲.
۲۰. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۰). اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار. تهران: نشر فرزانه روز.
۲۱. سیدموسوی، پریسا؛ محمدعلی مظاهری و سعید قنبری. (۱۳۹۱). پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان: نقش تعدیل‌کننده پذیرش والدین. روان‌شناسی تحولی. شماره ۳۲.
۲۲. سیف‌اللهی ننه‌کران، حجت‌الله. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین طول مدت ازدواج‌های منتهی به طلاق با مشخصات همسران در تهران بزرگ. گزارش طرح: دانشگاه شهیدبهشتی.
۲۳. شاکریان، عطا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. دوره چهاردهم.
۲۴. شعبانی، رضا. (۱۳۷۴). مبانی تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر قومس.
۲۵. صادقی، منصوره‌السادات. (۱۳۸۹). الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی عمومی. دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. صادقی، منصوره‌السادات؛ محمدعلی مظاهری و محمود حیدری. (۱۳۸۵). خانواده‌پژوهی. سال دوم. شماره ششم.
۲۷. صادقی، منصوره‌السادات؛ محمدعلی مظاهری و سعاده ملک‌عسکر. (۱۳۸۷). والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا. مجله علوم رفتاری. دوره دوم. شماره اول.
۲۸. صادقی، منصوره‌السادات؛ فاطمه انصاری‌نژاد؛ زهرا فدایی؛ شرمین روبن‌زاده؛ سیدمحسن ابراهیمی. (۱۳۸۸). نقش سبک‌های تربیتی والدین در شکل‌گیری انواع خودها و فاصله بین آنها در فرزندان خانواده‌پژوهی. سال پنجم. شماره هجدهم.
۲۹. عباسعلی‌زاده، علی. (۱۳۸۹). صحنه‌هایی از بگو مگوهای همسران. تهران: انتشارات قطره.
۳۰. عباسی، روح‌الله و کاظم رسول‌زاده طباطبایی. (۱۳۸۸). رضایت‌مندی زناشویی و تفاوت‌های فردی: نقش عوامل شخصیتی. مجله علوم رفتاری. دوره سوم. شماره سوم.
۳۱. عباسی، مریم؛ محسن دهقانی و محمدعلی مظاهری. (۱۳۸۹). بررسی تغییرات رضایت زناشویی و ابعاد آن در طول چرخه زندگی خانواده: تحلیل روند. خانواده‌پژوهی. سال ششم. شماره ۲۱.

۳۲. علی اکبری دهکردی، مهناز. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین. *مجله علوم رفتاری*. دوره ششم. شماره ۲.
۳۳. فاتحی زاده، مریم؛ فاطمه بهجتی اردکانی و احمدرضا نصراصفهان‌نی. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*. شماره ۱۱.
۳۴. قطبی، مرجان؛ کوروش هلاکویی نایینی؛ ابولقاسم جزایری و عباس رحیمی. (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال سوم. شماره ۱۲.
۳۵. محسن‌زاده، فرشاد؛ علی محمدنظری و مختار عارفی. (۱۳۹۰). مطالعات کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. ۵۳.
۳۶. مظاهری، محمدعلی؛ منصوره‌السادات صادقی؛ ام‌لیلی نصرآبادی؛ فاطمه انصاری‌نژاد و مریم عباسی. (۱۳۸۸). سبک‌های همسرگزینی و کیفیت و پایداری ازدواج. *راهبرد فرهنگ*. سال دوم. شماره ۵.
۳۷. مظاهری، محمدعلی؛ منصوره‌السادات صادقی؛ محمد روشن؛ کیومرث اشترینان؛ علی‌یار احمدی؛ نفیسه حمیدی؛ راحله امامی؛ فرشته موتابی؛ کارینه طهماسبیان و لیلی پناغی. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق در کشور*. طرح تحقیقاتی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی. چاپ شده.
۳۸. ملک‌عسکر، سعاده؛ فرشته موتابی و محمدعلی مظاهری. (۱۳۹۳). مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسناد ارتباطی و رضایت زناشویی در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر. *خانواده‌پژوهی*. سال دهم، شماره ۳۸.

39. Baumeister, R. F. & K. Vohs. (2007). *Encyclopedia of Social Psychology*. New York: SAGE Publications.
40. Ducommun-Nagy, C. & L. D. Schwoeri. (2003). Contextual Therapy. In Sholevar, G. P., Schwoeri, L. D. (Eds). *Textbook of Family and Couple Therapy, Clinical Applications*. (127-146). Arlington: American Psychiatric Publishing.
41. Falicov, C. J. (2003). Culture in Family Therapy: New Variations on a Fundamental Theme. In Sexton, T. L., Weeks, G. R, Robbins, M. S. (Eds). *Handbook of Family Therapy: The Science and Practice of Working with Family and Couples*. (37-53).
42. Greeff, A. P. (2000). Characteristics of Families that Function Well. *Journal of Family Issues*. 21(8). 948-963.
43. Halford, W. K.; K. Hahlweg. & M. Dunne. (1990). The Cross-Cultural Consistency of Marital Communication Associated with Marital Distress. *Journal of Marriage and the Family*. 52. 123-155.
44. Hatfield, E.; R. L. Rapson & L. D. Martel. (2007). Passionate Love and Sexual Desire. In Kitayama, S., Cohen, D. (Eds). *Handbook of Cultural Psychology*. (500-528). New York:

Guilford Publication.

45. Jalali, B. (2005). Iranian Families. In McGoldrick, M., Giordano, J., Garcia-Preto, N. (Eds.). *Ethnicity & Family Therapy* (451-468). New York: Guilford Publication.
46. Kaslow, F. W. (2000). Continued Evolution of Family Therapy: The Last Twenty Years. *Contemporary Family Therapy*. 22(4). 357-387.
47. Kearns, J. N. & K. E. Leonard. (2004). Social Networks, Structural Interdependence, and Marital Quality over the Transition to Marriage: A Prospective Analysis. *Journal of Family Psychology*. 18. 383-395.
48. Kerr, M. (2003). Multigenerational Family System Theory of Bowen and Its Application. In Sholevar, G. P., Schwoeri, L. D. (Eds). *Textbook of Family and Couple Therapy, Clinical Applications*. (103-126). Arlington: American Psychiatric Publishing.
49. Olson, D. H. (2006). *Four ENRICH Couple Scales*. Available from: <http://www.prepare-enrich.com> [accessed October 4th, 2009].
50. Olson, D. H.; J. DeFrain & L. Skogrand. (2011). *Marriages and Families: Intimacy, Diversity, and Strengths*. New York: McGraw-Hill.
51. Pfeifer, L.; R. B. Miller.; T. Li. & Y. Hsiao. (2013). Perceived Marital Problems in Taiwan. *Contemporary Family Therapy*. 35. 91-104.
52. Roberto-Forman, L. (2008). Transgenerational Couple Therapy. In Gurman, A. S. (Eds). *Clinical Handbook of Couple Therapy*. (196-228). New York: Guilford Publication.
53. Sadeghi, M. S.; M. A. Mazaheri; F. Motabi. & K. Zahedi. (2012). Marital Interactions in Iranian Couples: Examining The Role of Culture. *Journal of Comparative Family Studies*. Vol. 43. No.2,
54. Sonpar, S. (2005). Marriage in India: Clinical Issues. *Contemporary Family Therapy*. 27(3). 301-314.
55. Sprecher S.; A. Wenzel. & J. Harvey. (2008). *Handbook of Relationship Initiation*. New York: Taylor & Francis Group.
56. Tomita, S. K. (1994). The Consideration of Cultural Factors in the Research of Elder Mistreatment with an In-depth Look at Japanese. *Journal of Cross-Cultural Aging*. 9. 38-52.